



University of Tehran press

Research in Contemporary World Literature

<http://jor.ut.ac.ir>, Email: pajuhesh@ut.ac.ir

p-ISSN : 2588-4131 e-ISSN: 2588 - 7092

Cosmopolitanism in Process: Seeking Self-Authenticity in Zadie Smith's White Teeth

Farnaz Esmkhani Youvalari ¹ 0000-0002-8367-2181 Bahman Zarrinjooee ² 0000-0003-1047-3242

1.Department of English Language and Literature, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran... E-mail: iesmkhanifarnaz17@gmail.com

2.Department of English Language and Literature, Islamic Azad University, Borujerd Branch, Borujerd, Iran. E-mail: bzarrinjooee@yahoo.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 15 October 2020

Received in revised form: 28
January 2021

Accepted: 30 January 2021

Published online: 01 August
2023

Keywords:

critical cosmopolitanism,
cosmopolitan imagination,
immanent-transcendence, self-
authenticity, self-
understanding, Zadie Smith,
White Teeth

ABSTRACT

In White Teeth, Zadie Smith imparts a realistic and profound commentary on contemporary multicultural London environment, highlighting not only the challenging realities about British multiethnic society, but also about the human condition in such a situation. A key aspect of her novel is an authorial interrogation of the individual subject's position and identity formation, especially that of the first and second-generation immigrants facing the intensified interconnections and interdependencies of live worlds with social diversity in current globalization. In White Teeth, Smith concentrates on diversity of cultural contexts and the implication of divergent historical routes to illustrate how identity and self-authenticity cannot be perceived and maintained simply in terms of the importation of a single national model, global uniformity or in terms of a retreat into individualistic orientations. Different factors such as ethnicity, personal histories, interfamilial relationships, and cultural belonging are discussed in assessing Smith's treatment of the concept of self-authenticity. Studying these dimensions of the novel, this essay brings to the fore different dynamics within Gerard Delanty's concept of critical cosmopolitanism as a particularly appropriate medium to explore the ways in which history and interpersonal relationships with diversity act and influence the construction of self-authenticity.

Cite this article: esmkhani yuvalari, farnaz & Zarrinjooee, Bahman. "Cosmopolitanism in Process: Seeking for Self-Authenticity in Zadie Smith's White Teeth". Research in Contemporary World Literature, 18 (1), 139-162. DOI: <http://doi.org/10.22059/jor.2021.311899.2066>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jor.2021.311899.2066>



مفهوم جهان وطنی در فرایند: در جستجوی اصالت خود در دندان‌های سفید اثر زیدی اسمیت

فرناز اسمخانی یوالاری^۱ بهمن زرین جویی^۲

۱. گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.. رایانامه: esm khanifamaz17@gmail.com

۲. گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران.. رایانامه: bzarrinjooee@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۴</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۱۱/۰۹</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۱</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۵/۱۰</p> <p>کلیدواژه‌ها:</p> <p>جهان وطنی نقدگرایانه، تخیل جهان وطنی، امر ذاتی - استعلایی، اصالت خود، خودشناسی، زیدی اسمیت، دندان‌های سفید.</p>	<p>این پژوهش بر آن است تا ذات دگرگون‌کننده مفهوم جهان وطنی و پویایی های اصلی تکوین خود، خودبازنگری و خودشناسی را در ارتباط با ساخت اصالت خود در مشارکت فرد در تاریخ‌های مشخص در اثر <i>دندان‌های سفید</i> نوشته زیدی اسمیت، بررسی کند. با توجه به ظهور مفهوم کثرت‌باوری در تکوین خود یا جامعه در بستر فعلی دینامیسم‌های جهانی شدن، این پژوهش به دنبال درک مفهوم جهان وطنی نقدگرایانه در این رمان است. در رمان <i>دندان‌های سفید</i>، زیدی اسمیت بر تنوع بسترهای فرهنگی و مسیرهای تاریخی مختلف تمرکز دارد تا نشان دهد که نمی‌توان خودشناسی را صرفاً با مفاهیم یک مدل ملی واحد، همسانی جهانی شدن یا گرایش‌های فردی، تفسیر و بیان نمود. این پژوهش با در نظر گرفتن مفهوم جهان وطنی نقدگرایانه از جرارد دلانتی سعی بر این دارد تا نشان دهد چگونه تلفیق تخیل جهان وطنی، و کنشگری، چارچوبی را در جهت تغییر هویت و رشد اصالت خود در مواجهه روزمره با تنوع اجتماعی به وجود می‌آورد. به علاوه، این پژوهش، با بررسی ذات فرآیندی مفهوم جهان وطنی نشان می‌دهد که چگونه گرایش جهان وطنی به مثابه فرآیندی مستمر در تکوین خود عمل می‌کند و اینکه یک فرد جهان وطنی همواره در فرایند شدن است نه اینکه هویتی ثابت داشته باشد. عوامل مختلفی مانند نژاد، تاریخچه شخصی، ارتباطات میان خانوادگی و تعلق فرهنگی، با در نظر گرفتن مفهوم اصالت خود در اثر زیدی اسمیت، مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت.</p>

استناد: اسمخانی یوالاری، فرناز و زرین جویی، بهمن. "بررسی مفهوم جهان وطنی در فرایند: در جستجوی اصالت خود در دندان‌های سفید اثر زیدی اسمیت". پژوهش

ادبیات معاصر جهان، ۱۸ (۱)، ۱۳۹-۱۶۳.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jor.2021.311899.2066>



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱- مقدمه

ادبیات غنی دهه‌های معاصر، به پتانسیل‌های متنوع جهان‌وطنی در ارتباط با روش‌های تحقیق، علوم اجتماعی، فلسفه اخلاق و مطالعات جهان پرداخته‌است. این مطالعات به رشد نوعی جهان‌وطنی نقدگرایانه^۱ منتهی شده که به دنبال حل تشویش‌ها، تناقض‌ها و اختلافاتی است که از جهانی‌شدن^۲ ناشی می‌شوند. ارزش اصلی جهان‌وطنی نقدگرایانه در به رسمیت شناختن مثبت تفاوت‌های اجتماعی است که در گروداشتن نگرشی باز نسبت به مفاهیم اقلیت، مذهب، طبقه اجتماعی، نژاد، تعلق و جنسیت می‌باشد و تنها در این صورت، این مفهوم در مقابل مفاهیم بسته و محدود مانند فرقه‌گرایی و یا وطن‌پرستی افراطی قرار می‌گیرد. اصل دگرگون‌کننده جهان‌وطنی نقدگرایانه بر «دینامیسم فرآیندی» مانند انواع مختلف تعامل فرهنگی، رسوم رشدی و انواع گوناگون خوددگرگونی^۳ تأکید دارد (دلانتی ۲۰۰۹، ۱۲). دگرگونی خود و دیگری در بطن چنین اصلی، فرآیندی است که منجر به تغییر و تحول در حوزه بزرگتری از جامعه می‌شود. خودشناسی یکی از مسائل مهم مورد توجه جهان‌وطنی است که در ارتباط با خودمسئله‌انگاری^۳ و خودبازنگری^۴ است و این پویایی‌ها نشان می‌دهند که هویت و خودشناسی فرد همواره متأثر از مواجهه‌های مکرر خود با تنوع اجتماعی است که روزنه‌های جدیدی را پیش رویش باز می‌کند، پس جهان‌وطنی بودن فرد همواره در فرآیند شدن است و هویت ثابتی ندارد (دلانتی ۲۰۰۹، ۱۳). مسئله مطرح شده این است که مفهوم جهان‌وطنی نقدگرایانه صرفاً نوعی جهان‌بینی نیست بلکه نوعی شرایط اجتماعی است که گرایش یا میل جدیدی را ارائه می‌دهد که از طریق آن افراد، مفهوم خودشناسی را در ارتباط با گذشته و آینده‌شان تفسیر و درک می‌کنند. زمانی که خودآگاهی جهان‌وطنی وارد خودشناسی ملی، تاریخی و فرهنگی می‌شود، در آن صورت مفهوم جهان‌وطنی اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند که می‌توان آن را به مثابه نوعی گرایش نو متصور شد که در ساخت هویت و دیدگاهی نو نقش دارد.

اولین رمان زیدی اسمیت^۴ به نام *دندان‌های سفید*، روایت زندگی درهم تنیده سه خانواده است: خانواده جونز که مهاجران جامائیکایی هستند، خانواده چالفن^۵ که از یک طبقه متوسط یهودی-کاتولیک هستند، و خانواده اقبال که مهاجران مسلمان بنگالی هستند و همگی در ویلسدن گرین^۶ کمر حومه لندن زندگی می‌کنند. رمان، میراث فرهنگی، تاریخ، طبقه اجتماعی، و ارتباطات شخصی و تاثیر آن بر هویت

¹ Critical Cosmopolitanism

² Globalization

³ Self-transformation

⁴ Zadie Smith

⁵ Chalfen

⁶ Willesden Green

و خودشناسی را در بستر متنوع فرهنگی بررسی می‌کند. فرهنگ‌های مختلف از طریق ارتباطات میان-خانوادگی، تاریخ، و انواع دیگری از ارتباطات میان-گروهی، با یکدیگر تلفیق شده‌اند. این تلفیق^۱ انواع فرهنگ در ساختار رواییِ رمان اصالت^۲ و همگن بودن فرهنگ‌ها را همواره به چالش می‌کشد تا نشان دهد که طی تعاملات فرهنگی، هویت هر فرهنگ تغییر موضع می‌دهد، در نتیجه هویت فرد در تأثیری مشترک، تغییر موضع می‌دهد. نمی‌توان انکار کرد که ویژگی‌های متمایز کننده ملی و قومی در میان شخصیت‌های رمان وجود دارند. لیکن بدین معنا هم نیست که فهم هویت تنها به این ویژگی‌ها محدود بوده و نگرشی جهان‌وطنی به هویت در بستر روایت وجود ندارد. در حالی که برخی شخصیت‌ها، به خصوص آن‌هایی که از نسل اول مهاجران هستند، مانند صمد اقبال که به دنبال حفظ تاریخ، سنت و میراث فرهنگی بنگالی است، به تعلق فرهنگی خود تقلیل می‌یابند. شخصیت‌هایی مانند آیری جونز^۳ دیدگاهی جهان‌وطنی‌تری دارند که بیشتر با فضای درهم تنیده محل زندگی ایشان آمیخته شده‌اند. اثر *دندان‌های سفید*، مفهوم تنوع^۴ و انواع گوناگون حس تعلق را مورد بحث قرار می‌دهد و بر تعارض‌های افراد در مقابل گفتمان‌های دینی، تاریخی، تبارشناختی، نژادی و ملی در تکوین هویت، متمرکز است. پرسش‌هایی که مطرح می‌شوند، عبارتند از: چگونه مفهوم تاریخچه خانوادگی، میل فرد برای اصالت خود^۵ را به چالش می‌کشد و به چه نحوی تکوین دوباره تاریخچه فرد، هویت را تغییر می‌دهد و اصالت خود را تقویت می‌کند؟ چگونه گرایش جهان‌وطنی به عنوان فرآیندی مستمر در تکوین خود^۶ عمل می‌کند و اینکه یک فرد جهان‌وطنی همواره در فرآیند شدن است؟ آیا فهم جهان‌وطنی قادر به ساخت تصویری متفاوت از آینده، هویت شخصی و بنیادهای اجتماعی است؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، در ابتدا مروری بر پژوهش‌های گذشته بر اثر *دندان‌های سفید* زیدی اسمیت خواهیم داشت. سپس بر پتانسیل‌های مهم در مفهوم جهان‌وطنی نقدگرایانه تمرکز می‌نماییم. این تحقیق شامل سه بخش است. بررسی اثر *دندان‌های سفید* این موضوع را به بحث می‌گذارد که آیا هر نوع گرایش نژادی ستیزگرایانه و همگن‌سازی محض با فرهنگ یا تاریخی خاص، جلوی ارتباط و آمیختگی با تنوع فرهنگی را می‌گیرد و فرآیند دگرگونی و تکوین اصالت خود را متوقف می‌سازد. بخش دوم ذات فرآیندی^۷ جهان‌وطنی را مورد بررسی قرار می‌دهد و بیانگر این است که چگونه این امر، مفهوم مطلق از تاریخ آبا اجدادی در

^۱ Integration

^۲ Authenticity

^۳ Irie Jones

^۴ Diversity

^۵ Self-authenticity

^۶ Self-identification

^۷ Processual

تجربه و تکامل اصالت فردی را کنار می‌گذارد تا مفهوم دیگری از این تجربه را ارائه دهد که در ارتباط با دینامیسم‌های فرآیندی مانند انواع تعاملات اجتماعی، فرآیندهای پیشرفت و انواع خود-دگرگونی در اصالت فردی می‌باشد. بخش پایانی دینامیسم‌های جهان باز^۱ را با جهان‌وطنی نقدگرایانه تحلیل می‌کند و نشان می‌دهد که درک جهان وطنی تصویری آرمان‌گرایانه و ثابت از آینده ندارد بلکه آینده‌ای را متصور است که تحت‌تاثیر فرآیندی بودن دیدگاه جهان‌وطنی متفاوت و متغییر می‌باشد.

بسیاری از منتقدان، زیدی اسمیت را به خاطر به تصویر کشیدن جامعه چندفرهنگی انگلستان معاصر تحسین می‌نمایند. نقدهایی که درباره اثر *دندان‌های سفید* نوشته شده بر ابعاد چندفرهنگی و چندنژادی این اثر اشاره دارند و بر این باورند که این امر به دیدگاه مثبت اسمیت نسبت به چندفرهنگی دلالت دارد. دومینیک هد^۲ این رمان را با رمان‌های بریتانیایی که مسئله چندفرهنگی معاصر را بررسی می‌کنند قیاس می‌کند. هد چنین استدلال می‌کند که «اسمیت راهی پیدا کرده تا ظرفیت رمان را برای در آغوش گرفتن ناهمگونی^۳ به کارگیرد، و آن را در راستای ارائه تصویری درستی از بریتانیای چندفرهنگی بکار برده‌است» (۱۰۷). به نظر هد «در حالی که سلمان رشدی و دیگران درباره درهم‌تنیدگی^۴ و عجین‌شدگی نگرانند، اسمیت، درهم‌تنیدگی را به عنوان راه‌حلی موثر و مفید در نظر می‌گیرد» (۱۱۱). رمان *دندان‌های سفید* از دید هد، تصویری ادبی از چندفرهنگی به مثابه مفهوم پسااستعماری سازنده و مثبت است. همچنین بارت مورگیلبرت^۵ به «تأکید اسمیت بر تلفیق نژادی» اشاره می‌نماید. او چنین استدلال می‌کند که تنوع و چندگانگی فرهنگی در آثار اسمیت به دنبال تأیید «اقتدار نژاد حاکم به عنوان تضمین‌کننده تنوع فرهنگی در یک ملت» نیست، بلکه چندگانگی فرهنگی در رمان *دندان‌های سفید* «یک فرآیند دیالکتیکی خوشایند است که در آن سنت‌ها، فرهنگ‌ها و هویت‌های مختلف باهم تلفیق می‌شوند تا نوعی هویت نو، برتر و منسجم از نوع سوم خلق کنند» (۱۰۸). تریسی والترز^۶ به مطالعه مفهوم سیاه‌پوست/بریتانیایی در اثر *دندان‌های سفید* می‌پردازد. به عقیده والترز در این رمان اسمیت نشان می‌دهد که «در جهان هزاره سوم پسامدرن امروز، مفاهیم هویت نژادی و قومی را دیگر نمی‌توان در ارتباط با تبار، زبان، یا فرهنگ تعریف نمود زیرا چندگانه‌شدن جامعه انگلیس باعث مبهم شدن مفاهیم نژاد و قومیت گردیده‌است» (۳۱۵). رمان، آفرینش هویت‌های نو را پیشنهاد می‌دهد و این امر را می‌پذیرد

¹ World-openness

² Dominic Head

³ Heterogenicity

⁴ Integration

⁵ Bart Moore-Gilbert

⁶ Tracey Walters

که «اتحادیه‌های میان نژادی از مرزهای نژادی و قومی عبور کرده‌اند» و «مفهوم هویت‌های ثابت را مورد تردید قرار می‌دهد» (۳۱۶).

چندین تحقیق نشان می‌دهد که داستان اسمیت دارای عناصری از زندگی شخصی اوست. زیدی اسمیت دو رگه است، یعنی پدرش سفیدپوست و مادرش سیاه‌پوست با اصالتی جامائیکایی است. آنیتا ماتیاس^۱ در مقاله «چشم‌اندازی از حاشیه‌ها» چنین مطرح می‌نماید که وقتی زیدی اسمیت «مهاجران جامائیکایی و بنگلادشی را وارد ادبیات انگلیسی می‌کند، چشم‌اندازی از حاشیه‌ها را برای ما ارائه می‌دهد» (۲۷). او موفقیت اسمیت در حصول هویت انگلیسی در رمانش را بررسی می‌نماید. جرمی دیوید اسکات^۲ در مقاله «داستان‌های نقل شده: چندفرهنگی و هویت‌های مشارکتی در *دندان‌های سفید*، زیدی اسمیت» چنین استدلال می‌کند: از آن جایی که اسمیت از مادری جامائیکایی و پدری انگلیسی در ویلسدن گرین متولد شده‌است، پس او را می‌توان «صدای ادبی و نماد انگلیس چندفرهنگی» قلمداد نمود (۸). اسکات بر این باور است که «تجربه ملموس مهاجرت و تبعید به مثابه از ریشه کنده شدن و دور بودن از سرزمین مادری، دیگر به آن شدت و حدت ملموس نیست. رمان اسمیت تجربه گذر از شرایط انتقال (بستری که هومی بابا^۳ آن را شرایط «آستانه‌ای»^۴ می‌نامد)، به شرایط تعلق است» (۹). اسکات نتیجه می‌گیرد که در رمان *دندان‌های سفید*، اسمیت هویت ملی را از طریق روایت داستانی به‌طور فرهنگی خلق می‌نماید. جوامع مهاجر انتظار دارند که گفتمان ملی، آن‌ها را تأیید نموده و به رسمیت بشناسد، بنابراین صدایشان را از طریق گونه داستانی بیان می‌کنند. به عقیده اسکات رمان اسمیت را می‌توان به عنوان رد مفاهیم قومی به منزله‌ی «تکوین هویت» در نظر گرفت (۱۰).

کاتینا راجرز^۵ در مقاله خود با عنوان «اثبات پیچیدگی: *دندان‌های سفید* و جهان‌وطنی» به بررسی مفهوم جهان‌وطنی در رمان *دندان‌های سفید* می‌پردازد. راجرز معتقد است که در این اثر زیدی اسمیت به پیچیده‌سازی مفاهیمی همچون چندفرهنگی و آمیختگی فرهنگی می‌پردازد و نقدی موشکافانه از دیدگاه جهان‌وطنی و دیدگاه‌هایی مشابه مانند پسااستعماری ارائه می‌دهد که به دور از «ایده وطن-پرستی حاکم به نظریه جهان‌وطنی است» (۱). تحلیل راجرز، جهان‌وطنی را به عنوان مفهومی «اتوپیک»^۶ (یوتوپایی) در نظر می‌گیرد که شخصیت‌های رمان را به واسطه انسانیت مشترکشان متعهد و مرتبط می‌کند (۳). او معتقد است که شخصیت‌هایی که نگرش جهان‌وطنی دارند گذشته خود را نادیده

¹ Anita Mathias

² Jeremy David Scott

³ Homi Bhabha

⁴ Katina Rogers

⁵ Katina Rogers

⁶ Utopic

می‌گیرند زیرا دیدگاه جهان‌وطنی آینده‌ای ایده‌آل متصور است که تاریخ گذشته را نادیده می‌گیرد و اسمیت به واسطه نمایش طعنه‌آمیز شخصیت‌هایی که چنین آرمانهای جهان‌وطنی را بیان می‌کنند به «غیرقابل دفاع» بودن این چشم‌انداز جهانی اشاره می‌کند (۴).

در کتاب *جهان‌وطنی در داستانهای قرن بیست و یکم*^۱ (۲۰۱۷) کریستین شاو^۲ به بررسی تأثیر خانواده و جامعه محلی در توسعه و بهبود اخلاقیات جهان‌وطنی در رمان *این دابلیو* (۲۰۱۲)^۳ می‌پردازد. در مقایسه دو رمان *دندانهای سفید* و *این دابلیو* شاو چنین بیان می‌کند که در اثر *دندانهای سفید* اسمیت به بررسی موضوعات «آمیختگی فرهنگی و محدودیت‌های اقلیتی» می‌پردازد، در حالی‌که در *این دابلیو* پا را فراتر گذاشته و این موضوعات را قسمتی از واقعیت زندگی شهری معاصرترسیم می‌کند (۹۵). شاو معتقد هست که در نگرشی خوش‌بینانه و ساده‌لوحانه به جامعه پس از هزاره انگلیسی^۴، رمان *دندانهای سفید* لندن را همچون سرزمین چندفرهنگی سعادت‌مند متصور می‌شود (۶۷). در مصاحبه‌ای بعد از انتشار رمان *این دابلیو* اسمیت نیز اذعان می‌دارد که «احتمال وجود جامعه‌ای که افراد متفاوت بسیاری را در بطن خود پرورش داده و بتواند در این زمینه کارساز باشد ایده بسیار خوش‌بینانه‌ای است.» (۶۷). مقاله «هویت و چندفرهنگ‌گرایی در *امضاجمع‌کن* اثر زیدی اسمیت» نیز به بررسی مقوله چندفرهنگ‌گرایی در *امضاجمع‌کن* (۲۰۰۲)، اثر برجسته زیدی اسمیت، می‌پردازد. نویسندگان این مقاله بر این باورند «که منظور از تعدد فرهنگی، همان چندگونگی نژادی یا تکثر‌گرایی بود که بر حسب آن نژادهای اقلیت با نژاد اصلی، نژاد سفید، فقط هم‌جوار می‌شدند. صرف هم‌جواری، اما، دلیل بر حضور نبود» (مردنی و همکاران، ۱۳۲). با ارجاع به مطالعات ژنیک در مورد مقوله «دیگری» محققان این مقاله اجازه حضور «دیگری» در نظام سرمایه‌داری غربی را مشروط به «دیگرشده» شدن او می‌دانند، یعنی «با سرکوب تمام ویژگی‌های منحصر به فردی که موجب تفاوت و «دگر بودگی» اوست، به موجودی انتزاعی تبدیل شود که فرهنگ غربی را با هیچ تهدید جدی مواجه نمی‌کند» (۱۳۲).

رمان *دندانهای سفید*، خودآگاهی زیدی اسمیت را در حوزه‌های مختلف اجتماعی نشان می‌دهد. در مصاحبه‌اش با جاستین وب^۵، اسمیت نارضایتی خود را در مورد خوانش پسااستعماری رمان *دندانهای سفید* بیان می‌کند، درحالی‌که برخی از منتقدین همچون کرسستین شاو (۲۰۱۷)، کاتینا راجرز (۲۰۰۸) و تامسون (۲۰۰۵) معتقد هستند که در این اثر اسمیت به بررسی روابط چندفرهنگی پرداخته و تصویری مثبت از جامعه چندفرهنگی لندن خلق کرده است. از دیدگاه اسمیت امروزه چندفرهنگی نه به عنوان

¹ *Cosmopolitanism in Twenty-First Century Fiction*

² Kristian Shaw

³ NW

⁴ Post-millennial

⁵ Justin Webb

مقوله‌ای مجزا برای ارزیابی است بلکه واقعیتی از زندگی میباشد (۲۰۱۰). او در مصاحبه‌ای دیگر، با سیمون هاتنستون^۱ برای مجله گاردین^۲، چندفرهنگی را واقعیتی از زندگی بیان میکند و معتقد است که این مقوله صرفاً موضوعی داستانی نیست. در واقع، اسمیت با تأکید بر چندگانگی، بی‌اعتنا به هویت انگلیسی، یهودی یا سیاه‌پوست، از مفهوم ذات باورانه هویت^۳ می‌گذرد. با اینکه رمان *دندان‌های سفید* در ارتباط با مفاهیم پسااستعماری و چندفرهنگی است، با این وجود، از دوگانگی مفهوم چندفرهنگی پیشین که بیشتر بر پایه برتری فرهنگ حاکم نسبت به اقلیت‌ها بود، پا را فراتر می‌گذارد. در حالی که مفهوم چندگانگی در امر فعلی نه به عنوان کمرنگ شدن هویت اصیل بلکه به عنوان بخش مهمی از زندگی معاصر در نظر گرفته می‌شود. پس به جای آنکه «نمونه‌ای از انگلستان چندفرهنگی باشد» که «چندفرهنگی سعادت مند» (تامسون ۱۳۳) را ارج می‌دهد، چیزی که در *دندان‌های سفید* مطرح است، چالش‌های تعارض‌آمیز جهانی شدن برای شخصیت‌های فرهنگ‌های مختلف با احساس تعلق یا تعلقات فرهنگی متفاوت است. در این راستا، پژوهش حاضر جایگاه جهان‌وطنی در اثر *دندان‌های سفید* را مورد بررسی قرار می‌دهد. ایده جهان‌وطنی در رمان به بهترین نحو در روابط اجتماعی دیده می‌شود زیرا اسمیت این دیدگاه را در شبکه‌ای از ارتباطات شخصیت‌ها به تصویر کشیده است. بدین دلیل، این تحقیق هم بازنمود ادبی جهان‌وطنی را به بوته آزمایش می‌گذارد و هم ارتباط این امر را با مفاهیم هویت، تاریخ، جامعه و دگرگونی خود و دیگری را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۲_ مبانی نظری: نظریه جهان‌وطنی نقدگرایانه جرارد دلانتی

مفهوم جهان‌وطنی نقدگرایانه به عنوان نقدی بر جهان معاصر عمل می‌کند و به دنبال حل مسائل مربوط به شرایط ناعادلانه اجتماعی است. جرارد دلانتی در اثر معروفش *تخیل جهان‌وطنی: احیای نظریه نقداندانه اجتماعی*^۴ (۲۰۰۹)، بعدی از مفهوم جهان‌وطنی نقدگرایانه را مطرح می‌کند که بر ذات دگرگون‌کننده جهان‌وطنی و دینامیسم‌های «تکوین خود» و «درک خویشتن»^۵ در ارتباط با مواجهه «خود» با «دیگری» تأکید دارد. این مفهوم قدرت تحول دارد و می‌تواند شرایط اجتماعی را کاملاً تغییر دهد، توانایی آن را دارد تا «زمان حال را برای آینده‌ای مدبرانه دگرگون نماید» (۷۱-۷۰). در آن صورت، رویکرد دلانتی، نقادانه است نه صرفاً از آن جهت که شرایط موجود را نقد می‌کند، همچنین بدین دلیل که به دنبال تغییرات اجتماعی در سطح فرد، اجتماع، فرهنگ و جامعه است. دلانتی معتقد است که

¹ Simon Hattenstone

² *The Guardian*

³ Essentiality of identity

⁴ *The Cosmopolitan Imagination: The Renewal of Critical Social Theory*

⁵ Self-understanding

مفهوم جهان‌وطنی نقدگرایانه نیازمند نوع جدیدی از تخیل است، یعنی «تخیل جهان‌وطنی»^۱ که امکان دیدن جهان را به شیوه نو فراهم می‌آورد، یعنی نوعی نگرش باز را در ارتباط با تجربیات، هویت‌ها، همبستگی‌ها و ارزش‌ها شکل می‌دهد. این جهان‌بینی باز یکی از ویژگی‌های اصلی مفهوم جهان‌وطنی نقدگرایانه است که برای تغییر از امکانات ذاتی جهان اجتماعی نشأت می‌گیرد و سعی بر این دارد تا اعتقاد ما درباره فرهنگ‌ها، حس تعلق و هویت را از طریق شیوه‌های نوین درک واقعیت اجتماعی تغییر دهد؛ و توانایی‌مان را در جهت دیدن مسائل در سایه امکانات جایگزین بهبود بخشد، از این رو باز بودن یا آزاد بودن را مطرح می‌نماید و در عین حال خودبازنگری را در ارتباط با دیگری ملزم می‌کند (اسکریس و ودوارد ۶۱). فضیلت جهان‌وطنی آدر اتخاذ نوعی از «زیستن بازنگرانه در جهان با دیگران هست، یعنی اینکه فرد بتواند خود را از فرهنگ خود جدا کند تا فرهنگ دیگری را بپذیرد و بتواند به طور نقادانه فرهنگ خود و دیگری را ارزیابی کند» تا تصویری نو از خودشناسی، هویت فرهنگی، تاریخ و جامعه بسازد (دلانتی ۲۰۰۹، ۱۳۰). این بازنگری در مفهوم جهان‌وطنی نقدگرایانه اشاره به تمایل برای به چالش کشیدن فرهنگ خود، شناخت، ارتباط مسالمت‌آمیز و آموختن از فرهنگ‌های دیگر دارد و در عین حال، این امر وابستگی و درهم‌تنیدگی جهان را تشخیص می‌دهد که فراتر از چارچوب‌های ملی است و در رویدادهای اجتماعی فعلی، به خاطر افزایش ارتباطات از طریق جهانی‌شدن، ایده ملیت به عنوان بهترین نوع همزیستی با تنوع فرهنگی را رد می‌کند و در عوض، آمیختگی فرهنگی را پیشنهاد می‌دهد تا خود را بهبود بخشد.

مفهوم جهان‌وطنی نقدگرایانه نوعی دیدگاه جایگزین را برای واقعیت اجتماعی پیشنهاد می‌دهد یعنی «دیدگاه ارتباطی»^۲، در اینجا امر اجتماعی اشاره به جامعه‌ای که صرفاً در ارتباط با جامعه ملی یا فرد محصور در فرهنگ یا اقلیم خود است، ندارد بلکه امر اجتماعی حوزه‌ای از ارتباطات اجتماعی است که در آن گرایش‌های متعارض نقش دارند (دلانتی ۲۰۰۹، ۶). پیت استرایدم^۴ معتقد است که چشم‌انداز ارتباطی به جامعه نشان می‌دهد که واقعیت چیزی نیست که به‌طور مستقل جدای از ما وجود داشته باشد، علاوه بر آن امری کاملاً عینی نیست. بر اساس این مفهوم جهان‌وطنی نقدگرایانه، واقعیت اجتماعی، به‌طور اجتماعی-فرهنگی همواره در حال «بازساخت، سازماندهی، دگرگونی و تکامل تدریجی است» (۱۰). در این مفهوم، واقعیت اجتماعی صرفاً در حالت کارکردی، یا کاملاً تجربی یا فقط هنجارمند در نظر گرفته نمی‌شود بلکه ذات فرآیندی دارد و به‌طور پویا ساخته می‌شود. مسئله اصلی در موقعیت

¹ Cosmopolitan imagination

² Cosmopolitan Virtue

³ Relational

⁴ Piet Strydom

ارتباطی جامعه در نظر گرفتن دیدگاه سوژه دیگر است که طبع عمل‌گرایی جهان‌وطنی را نشان می‌دهد. استریدم نام آن را «واقع‌گرایی معرفتی عمل‌گرا»^۱ می‌نامد، یعنی مفهوم جهان‌وطنی نقدگرایانه با نوعی تصور پراگماتیک آغاز می‌شود، و ما واقعیت را زمانی تجربه می‌کنیم که «در آن با تجربیات خاصی مواجه شویم و مفهوم یا نظریه آن را بسازیم که در آن صورت می‌تواند عملکرد مناسب را هدایت کند؛ واقعیت ما را آشکار نماید و ما نیز خودمان را به خاطر منفعت دانستن، حل مسئله و آفرینش جهان آشکار کنیم» (۱۲). چیزی که ذاتاً در مفهوم جهان‌وطنی نقدگرایانه وجود دارد اصل انتقال است که برای زندگی در جهان معاصر ضروری و ممکن است. زیرا جهان تنها زمانی قابل زیستن است که مردم با دیدی جهان‌وطنی در آن زندگی کنند و سعی نمایند تا هویتشان و درکشان از خود و دیگری را تغییر دهند.

برخی دیگر از منتقدین چنین استدلال می‌کنند که دیدگاه جهان‌وطنی فلسفه ایست آرمان‌گرایانه، که به دنبال همگون‌سازی بشریت است تا بینشی واحد از بشریت را ارائه دهد، از این جهت هیچ وجه تمایزی بین جهانی شدن که پیوسته به انکار تفاوت‌های بشری می‌پردازد و دیدگاه جهان‌وطنی وجود ندارد. در مقاله «تئوری جهان»^۲ تیموتی برنان^۳ فهم جهان‌وطنی را یک «پدیده نامعلوم»^۴ توصیف می‌کند (۶۵۹). او معتقد است که «جهان‌وطنی یک پدیده محلی است ولی این ویژگی خود را انکار می‌کند. فرآیند انکار از ویژگی‌های ذاتی جهان‌وطنی بوده و در راستای منافع آن می‌باشد» (۶۶۰)، این امر منجر به افزایش تسلط فرهنگی^۵ می‌شود، زیرا به جای آنکه به تصدیق دوباره هر آنچه که به حاشیه رانده شده است بپردازد، فهم جهان‌وطنی تنها به کالایی‌سازی^۶ جریان محلی می‌پردازد. برنان، در مقاله ای دیگر استدلال می‌کند که هیچ تفاوتی بین فرآیند جهانی شدن و فهم جهان‌وطنی وجود ندارد زیرا هر دو باعث افزایش «آمریکایی‌شدگی»^۸ (۲۰۰۴، ۱۲۳)، غربی‌شدگی^۹ و همگون‌سازی هویت و فرهنگ می‌شوند.

اوایل قرن بیست و یکم شاهد ظهور جنبه‌های تاریک جهانی شدن است؛ از جمله بحران‌های اقتصادی، اجتماعی، تروریسم، بروز ناامنی در برخی مناطق جهان و مداخلات به ظاهر بشردوستانه

¹ Pragmatic epistemic realism

² Homogenization

³ Cosmo-Theory

⁴ Timothy Brennan

⁵ Ambivalent Phenomenon

⁶ Cultural Hegemony

⁷ Commoditization

⁸ Americanization

⁹ Westernization

غرب در این مناطق. بنابراین نظم مبتنی به ارزش های مشترک جهانی، مشارکت دموکراتیک جهانی و گسترش بی مانده فضایل حقوق بشری که حامیان ایده های جهانی شدن در چشم اندازی و رای مرزهای ملت- دولت ها ترسیم کرده بودند دیگر چندان سهل و آسان نمی نمود. فهم جهان وطنی به بررسی این جوانب می پردازد و جنبه نقادانه جهان وطنی راه حلی برای مقابله با چالش های جهانی شدن ارائه می دهد و پا را فراتر از فرضیات منحصر غربی می گذارد»^۳ (دلالتی ۲۰۰۹، ۲) گرچه ایدئولوژی جهان وطنی به عنوان تفکری آرمان گرایانه و غربی همواره مورد انتقاد قرار گرفته است، آنچه مفهوم جهان وطنی نقد گرایانه را از جهانی شدن متمایز می سازد تاکید آن به تفاوت های انسانی، فرهنگی و اجتماعی است. همانطور که دلالتی معتقد است «جهان وطنی یک ایده آل انتزاعی نیست که هیچ ماهیتی نداشته باشد»^{۱۳}، بلکه جهان وطنی هم یک «تجربه فردی و هم یک پدیده اجتماعی است که قادر به تحول اصول بین المللی مربوط به حقوق بشر می باشد و همواره به شناخت مثبت تفاوت های فرهنگی می پردازند»^{۱۴}. تنوع فرهنگی، جنبش های اجتماعی و گونه های متفاوت جامعه سیاسی دیگر تنها با یک مدل غربی شدن قابل بررسی نیستند، بدین دلیل مفهوم جهان وطنی بر لزوم ظهور نگرشی پسا غربی^۱ تاکید می کند که بتواند پاسخگویی تناقضات حاصل از تمایلات ملی گرایانه^۲، منطقه ای^۳ و جهانی شدن باشد.

۳ _ تاریخ و هویت در عصر جهانی شدن: تأملاتی پیرامون عدم قطعیت درباره خود،

هویت و تاریخ

ظهور و تجلی جهانی شدن در دنیای امروز باعث گردیده که هویت فرد توسط سیلی از محذورات اجتماعی و سیاسی بازتعریف شود. برخی از این محذورات، ریشه در تاریخ آبا اجدادی دارد و یا از ساختار ملی کشور نشأت می گیرد و بسیاری دیگر طی فرآیند جهانی شدن بر ساختارهای ملی چیره شده اند. به این دلیل در جهانی که تابع نیروهای قدرتمند یکپارچگی جهانی^۴ و تجزیه سیاسی^۵ است، دیگر شهروندی ملی معرف فرهنگ مدنی^۶ نیست. این امر باعث ایجاد شکافی بین تعریف فرد از هویت خود در ارتباط با عناصر تاریخی، ملی، فرهنگی و نژادی شده است. یکی از بزرگترین چالش هایی که جهانی شدن به بار آورده است، بحران ملی گرایی به خاطر «سنت زدایی»^۸ هویت است، پیامدهایی که بیشتر

¹ Post-Western

² Nationalist

³ Regional

⁴ Global integration

⁵ Political fragmentation

⁶ National citizenship

⁷ Civic culture

⁸ Detraditionalization

به خاطر الگوهای متعصب و کوتاه‌بینانه ارتباط «میان-تمدنی» بوده است. برای صمد اقبال، مسلمان مهاجر بنگلادشی، مقابله با سنت‌زدایی هویت از طریق رشد و تکرار تاریخ گذشته است که در همزاد پنداری‌اش با برهمن هندو^۱ با نام مانگال پاندی^۲ عمل می‌کند، مقاومت مانگال پندی در برابر افسران انگلیسی در دوره استعمار در شورش سیپوی‌ها^۳ در سال ۱۸۵۷ همیشه به عنوان عملی قهرمانانه در مقاومت هند مطرح بوده است. صمد مانند یک قربانی آسیب دیده عمل می‌کند که مدام خاطره قهرمانی جدش را در ذهنش مرور می‌کند. درک او از خودش تحت تأثیر افتخارش به مانگال پاندی است. در مواجهه با کثرت فرهنگی حاکم در بستر شهری لندن، صمد حس می‌کند که هویتش معنای خود را از دست داده است، او دیگر نمی‌تواند درکی یکپارچه از اصالت قومی- مذهبی خود داشته باشد و مدام در تلاش است تا از طریق تجربه گذشته اعتماد به نفس از دست‌رفته‌اش را دوباره احیا کند. در واقع، تصور آرمان‌گرایانه صمد از گذشته سرزمین مادری در تجربه او از زمان حال و ارتباط او با سرزمین میزبان، لندن، رسوخ کرده و موجب ایجاد حس خلاء، فقدان، حزن، دلتنگی و گاه روان‌پریشی شود.

پیوند خونی بین صمد و تاریخ تبارش به عنوان ساختاری سنتی و روایی عمل می‌کند که در طول زمان به اسطوره ملی اعتقاد مدنی‌اش تبدیل شده است. به عنوان یک مهاجر نسل اول او سعی دارد تا هویت و گذشته‌اش را علنی کند تا اصالت شخصی خود را در لندن حفظ کند. صمد می‌گوید: «خدا من را فراموش کرده یا شاید من خدا را فراموش کرده‌ام، مطمئن نیستم. دوستی دارم به اسم آرچی و البته دیگران. چهل و نه ساله‌ام ولی هنوز هم زن‌ها در خیابان، به طرفم جذب می‌شوند. البته بعضی وقت‌ها» (اسمیت ۵۸). تعریفی که صمد از خودش ارائه می‌دهد به ابعاد مختلف گذشته و حال و پیوندهای فرهنگی‌اش مانند دوستی‌اش با آرچی انگلیسی اشاره دارد تا اینکه خود را از بیگانگی فرهنگی مبرا نماید. دل‌بستگی صمد به گذشته‌اش باعث بی‌علاقگی او نسبت به یکی شدن با فرهنگ انگلیسی می‌شود. او تاریخ آبا و اجدادی‌اش^۴ را به عنوان بستری نمادین پرورش می‌دهد تا ایدئولوژی حاکم یعنی ملی‌گرایی بریتانیایی را به چالش بکشد که در نهایت باعث می‌شود که نتواند هویت خودش را باز شناسد. هویت صمد، نوعی هویت قوم‌ستیزی است که به خاطر دره‌متنیدگی و آمیختگی فرهنگی بیش از حد بستر شهری لندن به مخاطره افتاده و تحقیر شده است. عدم موفقیت او در جهت حفظ اصالت خود که در تاریخ و سنت گذشته ریشه دارد، بر کشمکش تعلق تاریخی و وابستگی زندگی

¹ Hindu Brahmin

² Mangal Pandey

³ Sepoy

⁴ Ancestral history

جهانی در فرآیند تکوین هویت دامن می‌زند، که اسمیت با اتخاذ لحنی طنزآمیز در رمان بکار می‌گیرد. در همتنیدگی چندفرهنگی حاکم بر جامعه انگلیسی، هویت فرهنگی صمد را به چالش کشیده است. او معتقد است که تفاوت‌های فرهنگی در نهایت منجر به از بین رفتن آن اصالت فرضی یا فراق از آن «بهشت جمعی»^{۶۶} خواهد شد که صمد بخاطر هویت خود می‌خواهد آن را به‌طور فرضی حفظ نماید (دلانتی ۲۰۰۳، ۱۶۳). اولریک یک براین باور است که در نتیجه فرآیند جهانی شدن نه تنها هویت فرهنگی دیگر ماهیت ثابتی ندارد بلکه انواع مختلف «الگوهای اجتماعی از پیش تعیین شده» همچون تاریخ، مذهب، قومیت و خانواده که فرد همیشه در ارتباط با آن هویت خود را تعریف می‌کرد ماهیت ثابت خود را از دست داده و تضعیف شده است (۲۴). رضایی و اسدی امجد جهانی شدن را نوعی سلطه فرهنگی می‌نامند. به عقیده این محققان «هویت مهاجر، آنچنان که متفکرین پسااستعمار بیان میدارند، هویتی در هم آمیخته، یا «ترکیبی» است (بوربور و نیوول ۱) که دائماً در حال تغییر و شکلگیری مجدد است. چنین هویتی به خوبی میتواند ادعاهای نژادی از قبیل خلوص نژادی و برتری یک نژاد یا ملت بر نژاد دیگر و به‌طور کلی دیدگاه‌های سنتی رایج در غرب درباره هویت را به چالش بکشاند و عامل تغییر و مقاومت در برابر ایدئولوژیهای نژادپرستانه و مل یگرایان^{۶۷} افراطی باشد» (۲۷۵). بدین دلیل، در مواجهه با چالش‌های حاصل از فرآیند جهانی شدن فرد باید بینشی نسبی به فرهنگ، مذهب و تاریخ خود و دیگری اتخاذ نماید که تنها با بکار گرفتن تخیل جهان وطنی در مواجهه با کثرت فرهنگی ممکن است. صمد نه تنها خود را از هرگونه درهم آمیختگی با فرهنگ‌های دیگر مبرا می‌کند بلکه تاریخ گذشته و مذهب خود را به عنوان مفاهیم ثابت، اصیل و سرنوشت‌سازی تصور می‌نماید که در واقع جلوی هرگونه آزادی فردی در بازتعریف هویت و خودشناسی‌اش را می‌گیرد و منجر به انزوای اجتماعی و عدم ارتباط او با دیگران می‌شود.

صمد از اضطرابی شدید رنج می‌برد که ناشی از ترسی است از تصورش نسبت به فساد و سوسه‌برانگیز جامعه انگلیسی و تأثیری که بر دیانت و خانواده‌اش دارد. او ارتباطی را خارج از ازدواج با معلم پسرانش، پاپی برت-جونز^{۶۸}، شروع می‌کند، به دوستش شیوا در مورد این رابطه اعتراف می‌کند که دودل است: «پنجاه و هفت ساله‌ام، شیوا. وقتی به سن من برسی، نگران ایمانت می‌شوی، نمی‌خواهی کارهایت را به تعویق بیندازی. انگلیس من را فاسد کرده، می‌بینم که حالا بچه‌هام، همسرم، آنها هم فاسد شده‌اند. فکر کنم شاید دوستان بدی داشتم ... شاید به عقل بیشتر از ایمان بها داده‌ام. و حالا به نظر این وسوسه آخر در مقابلم قرار داده‌شده تا مجازاتم کند» (اسمیت ۱۴۵). اضطراب صمد موجب شکل‌گیری «هویت هنجارمند» در او می‌شود که «در ارتباط با شرایط عدم قطعیت» جهانی شدن است و آن را می‌توان با

^۱ Poppy Burt-Jones

شرایط تهدیدآمیز نوین درک نمود. ریچارد باومن این شرایط را به عنوان شرایط «ترس معلق»^{۶۷} معرفی می‌نماید که به دلیل نامعینی در شرایط معلق اجتماعی^۱ به وجود می‌آید، جایی که بنیادهای باثبات نهاد‌های اجتماعی و هویت‌های با ثبات در شرایط فردی و متزلزل سقوط می‌کنند (دلانتی ۲۰۰۸، ۶۸۲). در حالیکه جهان وطنی منتقدانه بر ذات متغیر شهروندی^۲ تاکید دارد، صمد هویت بنگلادشی خود را در محور باورها و تجربیات روزمره‌اش را با تنوع ساختارهای مذهبی، قومی، ملی و نژادی ارتباط می‌دهد. بدین دلیل در تعارض مداوم با دو فرهنگ متضاد نمی‌تواند ارزش‌ها و آرمان‌های شخصی خود را در مواجهه فرهنگ قومی خود با فرهنگ بریتانیا از هم جدا نماید و مورد بازنگری قرار دهد. تعصب فرهنگی صمد اجازه نمی‌دهد که او موقعیت ذات ارتباطی جامعه کنونی را دریابد. رابطه‌اش با پایی جونز در نهایت منجر به نوعی خودبازنگری آرمان‌ها و ارزش‌هایش می‌شود، باین حال حس تضاد و تجربه دوگانگی فرهنگی‌اش همچنان باقی می‌ماند. برای صمد «سنت در حکم فرهنگ بود، و فرهنگ به ریشه‌ها ختم می‌شد»، برای او ریشه‌ها اصول پاکی بودند که مجبور نبود طبق آن‌ها زندگی نماید، قبولشان کند یا طبق اخلاقیاتشان پرورش یابد، اما «ریشه‌ها، ریشه بودند و ریشه‌ها خوب بودند ... ریشه‌ها آن چیزی بودند که نجات می‌دادند، طناب‌هایی که برای نجات انسان‌های در حال غرق شدن پرتاب می‌کردی، تا روحشان را نجات دهد» (اسمیت ۱۹۸). شرایط صمد نشان‌دهنده آن است که در میراث آبا و اجدادی‌اش و وابستگی به فرهنگ بنگلادشی و تصویر بیگانه هراسی از فرهنگ بریتانیا تثبیت شده است. همچنین این شرایط منعکس‌کننده دوگانگی بین تمایل ملی‌گرایی او و جهان‌وطنی مورد نیاز است که کاملاً در تضاد با یکدیگر هستند و قادر به ایجاد ارتباط بین تمایل او به فرهنگ بنگلادشی و تنوع فرهنگی نیستند. تلاش صمد برای حفظ اصالت هویت بنگلادشی به مثابه شکلی از کنترل است که مانع از یکپارچگی او با چندفرهنگی به عنوان واقعیتی از جامعه جهانی می‌شود. تام پالمر^۳ معتقد است که در دنیای جهانی‌شده امروز دیگر یگانگی فرهنگی وجود ندارد که بتواند «خودشناسی سازنده»^۴ را ممکن سازد زیرا در نتیجه ارتباط و در هم‌تنیدگی فرهنگ‌ها دیگر فرهنگی وجود ندارد که بتوان آن را به عنوان فرهنگ «اصیل» شناسایی نمود یعنی هیچ فرهنگی وجود ندارد که بخشی یا بخش‌هایی از آن تحت‌تأثیر فرهنگ‌های دیگر نباشد (۹). درک آرمان‌گرایانه و حس سنتی تعلق در صمد به عنوان تفکری مبارز در مقابله با هویتی متأثر از منش انگلیسی عمل می‌کند که در جدا نگه‌داشتن و دور ساختن تجلی جهان‌وطنی در صمد نقش دارد. از سوی دیگر، منجر به ظهور حس

¹ Social liquidity

² Flexible Citizenship

³ Tom Palmer

⁴ Constitutive self-understanding

بیگانگی اجتماعی و شکافی بین صمد و دیگران همچون خانواده‌اش شده است و صمد را به انزوا می‌کشاند، و این موضوع مهم را مطرح می‌کند که هویت صرفاً ارتباطی با ریشه‌های فرد ندارد. اثر *دندان‌های سفید* دیدگاه صمد درباره ریشه‌ها، تاریخ و میراث فرهنگی را مورد تردید قرار می‌دهد و بدین ترتیب فروپاشی هر گونه دیدگاه مطلق و نژاد-محور هویت را منعکس می‌کند. بدین صورت، اسمیت، مفهومی از هویت را ارائه می‌دهد که رویکردی مثبت به تنوع دارد و نسبتاً بر پایه میراث فرهنگی، ریشه‌ها و دین استوار است که در این مورد صرفاً به عنوان عناصری نسبی در تبیین هویت محسوب می‌شوند.

۴_ مفهوم جهان‌وطنی فرآیندی: تخیل جهان‌وطنی تاریخ‌بازینی‌شده

آیری جونز، دختر آرچی جونز^۱ انگلیسی و کلارای^۲ جامائیکایی، نیز مانند صمد سعی می‌کند تا اصالت خویش را پرورش دهد. برای آیری، کشمکش‌های گذشته و حال، تعلق فرهنگی و خودشناسی در مسیرهای متفاوتی پیش می‌روند. اسمیت آیری را همچون «غریبه‌ای در سرزمینی بیگانه» به تصویر می‌کشد که «انگلستان برایش همچو آینه‌ای بسیار بزرگ بود، بدون (هیچ) انعکاسی» (اسمیت ۲۶۹). نبرد آیری نه تنها در ارتباط با فرهنگ و میراث، بلکه در ارتباط با اضطرابی است که درباره چهره فیزیکی‌اش و علاقه یک طرفه خود به میلات اقبال دارد. تمام این موضوعات باعث می‌شوند که آیری کاملاً تنها شود. برای آیری، مشخص‌ترین راه برای از بین بردن تنهایی از طریق زیبایی ظاهری است، زیرا «در گلنارد آک کامپریهنسیو^۳، سیاه‌پوست، پاکستانی، یونانی، ایرلندی همه نژادها بودند. ولی فقط کسانی که از لحاظ جنسی جذابیت داشتند، بقیه رقیب‌ها را کنار می‌گذاشتند. آن‌ها خاص بودند». در مقایسه با آن‌ها برای آیری «اگر موها سیم‌خاردار بود، سیم‌خاردهای سیاه در سرش می‌رویید» (۲۷۲). آیری رنج انکار خود را توسط دیگران در درون خود تجربه می‌کند. برای او زندگی در جهان شهر معاصر لندن «بیگانگی نهادینه، جاودانه و ثابتی» را تحمیل می‌کند (چالار ۲۰۶)، اما، علی‌رغم مواجه شدن با تنوع محض، نوعی بیگانگی و تفاوتی که نمی‌تواند با آن یکپارچه شود، آیری ارتباطی فرافرهنگی^۴، چه در زندگی شخصی و چه در زندگی اجتماعی‌اش، ایجاد می‌کند و بیشتر خود را انعکاس می‌دهد و در نهایت بیشتر نسبت به خود آگاه می‌شود. تصویری که زیدی اسمیت از نوع ارتباط با دنیای پیرامون خود، با خانواده‌های چالمن، جونز و اقبال و همچنین تاریخ بوئدنیزم^۵ آبا و اجدادی‌اش می‌سازد، نشان‌دهنده نوعی اجتماعی بودن فرآیندی و تنوع ارتباط اجتماعی در مواجهه

¹ Archie Jones

² Clara

³ Glenard Oak Comprehensive

⁴ Cross-cultural

⁵ Bowdenism

آیری با دیگران است، جایی که بُعد پیشرفتی از خوددگرگونی به واسطه دیدار و مواجهه با تنوع فرهنگی را منعکس می‌کند.

برای پیشرفت تحصیلی اش مدیر مدرسه آیری توصیه می‌کند که آیری اوقات فراغت خود را با جاشوا چلفن به مطالعه بپردازد. آیری در هفته‌های اولیه گذراندن وقتش با خانواده یهودی-انگلیسی چالفن، این خانواده را به عنوان نمونه ملموس یک خانواده آرمانی می‌بیند. راوی به ما می‌گوید که در ارتباط اولیه‌اش با خانواده چالفن، در دید آیری، مارکوس چالفن و همسرش جوئیس، والدین جاشوا، «مثل آن پدر و مادری که می‌شناخته نیستند» (اسمیت ۳۲۳)، او «فرهنگ، ادب، طبقه اجتماعی، شعور» (۳۲۹) را در آنها می‌بیند، به این دلیل می‌خواهد با آنها و هویت انگلیسی‌شان تلفیق و یکی شود: «خانواده چالفن. اصالت شان. اصلاً به ذهنش خطور نکرده بود که خانواده چالفن نیز مهاجر هستند ... یا اینکه آنها نیز به اندازه خودش به او نیاز دارند ... داشت مرزها را درمی‌نوردید، دزدکی به انگلیس می‌رفت، مثل یک شورش بود، پوشیدن یونیفرم کسی دیگر یا پوست کسی دیگر» (۳۳۵)، با این وجود، ارتباط آیری با خانواده چالفن منجر به عجبین شدن محض با این خانواده و فرهنگ یهودی-انگلیسی آنها نمی‌شود زیرا آیری «مثل مادرش بود، مثل پدرش، نوآفرین خودش و عملگرایی بزرگ» (۳۷۵). مفهوم جهان‌وطنی هرگز مقوله‌ای مطلق یا ثابت نیست که صرفاً در برخی افراد بیشتر از دیگران وجود داشته باشد بلکه بُعدی از زندگی اجتماعی است که باید از طریق «رسوم معنا سازی در موقعیت‌های اجتماعی متفاوت به طور فعالانه ساخته شود ...» (وودوارد و اسکریس ۱۳۲). آیری با دور نگه داشتن خود از پیوندهای خانوادگی خود و خانواده چالفن، منعکس کننده توانایی بازبینی و خودانعکاسی خودش است که کمک می‌کند تا دیدگاه «مردد و مدبرانه‌اش»^۱ را به کار گیرد و به دیدگاه‌هایش درباره دنیای اجتماعی همواره شک داشته باشد، زیرا این امور همواره تابع بازبینی و اصلاح و طبقه‌بندی دوباره هستند (ترنر، ۱۴۸).

روایت نسلی مادر بزرگ آیری، هورتنس بوودن^۲، به عنوان یک «تاریخ جهانشمول»^۳ عمل می‌کند که از طریق آن آیری جونز، هویت خود و تاریخ گذشته‌اش را به هم ربط می‌دهد. آیری ریشه‌هایش را مورد تردید قرار می‌دهد تا تاییدی درباره تاریخی که کمک می‌کند تا هویت او را شکل دهد، به دست آورد. از اینکه نمی‌تواند کل حقیقت را درباره داستان‌های مخفیانه خانواده‌اش بفهمد، ناراحت است، «داستان‌هایی که هرگز به او گفته نشده و تاریخی که می‌خواستی بدانی ولی می‌ترسیدی که بشنوی» (اسمیت ۳۸۶). آیری به دنبال تبار و گذشته‌اش است، ولی در واکنش به «تور درهم

^۱ Ironist's

^۲ Hortense Bowden

^۳ Universal history

تنیده‌ای» که خانواده‌اش برایش پهن کرده‌است، تعلق خاطری مانند صمد به تاریخ گذشته خود نشان نمی‌دهد. در واکنش به ارتباط محکم صمد به تاریخ اجداد خود، آیری بیان می‌کند که «برای افراد دیگر هر روز لعنتی نبردی بزرگ بین اینکه چه کسی هستند و چه کسی باید باشند، چه چیزی بودند و چه چیزی خواهند بود، نیست. برو از آن‌ها بپرس. و به تو خواهند گفت. به مسجد نمی‌روند. شاید هر از چندگاهی کلیسا بروند. بیشتر بخشش می‌کنند و بندرت گناه.» (اسمیت ۵۱۴). آیری با مورد تردید قرار دادن دل مشغولی صمد با داستان قهرمانی جدش، مانگال پاندی، تثبیت شخصیتی صمد را به چالش می‌کشد. فصل «کانال‌های ریشه‌ای هورتنس بوودن»^۱ حول داستان آمبروزیا هورتنز، مادرِ مادربزرگ آیری که شاهد تسلط استعمار انگلیس بر جامائیکا بوده و نیز هورتنس بوودن، مادربزرگ آیری و روایت تاریخی او از تاریخ گذشته‌اش می‌باشد. آیری پس از مشاجره‌ای با مادرش کلارا، تصمیم می‌گیرد به خانه مادربزرگش هورتنس نقل مکان کند. او در خانه مادربزرگش چند برگ کاغذ درباره داستان مردی به نام دورهام و آمبروزیا پیدا می‌کند. آیری می‌فهمد که مردی انگلیسی به نام سیر چارلی دورام برای خدمت به جریان امپراتوری بریتانیا وارد جزیره کینگستون در جامائیکا می‌شود و در عین حال یک شب در حال مستی، به دختر صاحبخانه خود، آمبروزیا بوودن تجاوز نموده و او را حامله می‌کند و سپس تصمیم می‌گیرد ضمن ماندن در آنجا، حروف، اعداد، انجیل و تاریخ انگلیس را به او آموزش دهد. اما دورام برای کنترل اعتصاب صاحبان چاپخانه‌ها در کینگستون، آمبروزیا را ترک می‌کند. کمی بعد، در ۱۴ ژانویه سال ۱۹۰۷، در زمان زلزله کینگستون، هورتنس بوودن در یک کلیسای کاتولیک متولد می‌شود. در نتیجه، آیری فرصتی می‌یابد تا خودش را به تاریخ آبا و اجدادی‌اش، به ریشه‌های خود و جامائیکا وصل کند که از دید او «تازه ساخته شده» است و آیری با کشف آن «مثل خود کولومبوس»^۲ آن را به وجود آورده است. تصور آیری از جامائیکا مکان جنگلی و پُرابی است که در آن «چیزها از خاک لگام گسیخته و بدون نظارت بیرون می‌آیند و کاپیتانی جوان، دختری سیاه‌پوست را می‌توانست ببیند، بدون گذشته یا آینده‌ای مقدر، مکانی که همه چیز صرفاً به همان شکل بود»، آیری وطنش را این چنین تصور می‌کند، زیرا وطن یکی از «دنیاهای خیالی و جادویی است، مثل اسب تک شاخ و روح و بی‌نهایت که اینک وارد زبان شده‌اند. و جادوی خاص وطن، طلسم خاصش بر روی آیری، این بود که به نظر شبیه یک آغاز بود. آغاز آغازها. مثل اولین صبح دم باغ عدن و روز پس از قیامت. صفحه‌ای خالی» (اسمیت ۴۰۸). برای آیری، کینگستون^۴، آرمان شهری است که تفاوت‌ها در آن به شکلی

^۱ The Root Canals of Hortense Bowden

^۲ Ambrosia Bowden

^۳ Columbus

^۴ Kingston

هماهنگ با هم تلفیق می‌شوند و به دور از مفاهیم ثابت و مستبد از تاریخ فرهنگی، ریشه‌ها یا حس تعلق است. آیری وطنش را در همان لحظه تصور و خیالش از آن مکان خاص را تشخیص می‌دهد. با این کار، فرآیندی مستمر از شناخت تاریخ‌های شخصی به وجود می‌آورد که در گذشته‌ای خاص محصور نشده بلکه هر لحظه با تصور و خیالش بازآفرینی می‌شوند. این موضع‌گیری آیری نگاهی نقادانه به تاریخ دارد که به بررسی و پرسش مداوم دیدگاه‌های موجود می‌پردازد تا چیزی را که در فرا سو قرار دارد و یا پنهان است، دریابد. این گرایش آشکارکننده جهان قدرت‌شدن را نشان می‌دهد، حرکتی به سوی آینده‌ای آزاد یعنی «امر نو» (هاینس ۸). پس ذاتی پویا و دگرگون‌کننده دارد. این نکته در تضاد با امر موجود نیست بلکه فراخوانی است به سوی بازاندیشیدن و درک فرآیند شدن.

آیری نه تنها اصالت و اعتبار مطلق تاریخ آبا اجدادی خود را زیر سؤال می‌برد بلکه، جهان‌وطنی شکل گرفته در دیدگاهش موجب بازنگری او به این تاریخ و بازساخت آن می‌شود. تخیل نو آیری از سند تاریخی هورتنس به او کمک می‌کند تا به خودآگاهی جهان‌وطنی برسد که فراتر از تقسیم‌بندی‌های زمانی-مکانی عمل می‌کند و بیان‌کننده پتانسیل آیری برای ایجاد ارتباط با تاریخ آبا و اجدادی خود است. بنابراین، حرکت آیری، حرکتی به سوی «شدن»^۱ و حرکتی «این-جهانی»^۲ است که در ذاتش وجود دارد تا او را با میراث تاریخی خود مرتبط کند زیرا «میراث چیزی نیست که بتوانی با انتخاب، آن را بدهی یا بگیری، و هیچ یقینی در کار وراثت وجود ندارد» (اسمیت ۳۱۴). آیری قطعیت وراثتی در مورد تاریخ را با امید شخصی جایگزین می‌کند و منجر به عملکرد امیدوارانه، بهبودگرایانه و تجربی «عمل‌گرا» می‌شود که بنا به گفته ریچارد رورتی^۳ تأییدکننده رشد اجتماعی و آزادی فردی است (۲۴). درک تغییر یافته آیری از تاریخ گذشته‌اش، ایدئولوژی افراطی را که وابسته به تثبیت فردگرایانه به تاریخ گذشته است، محکوم می‌کند. فهم او از وطن «به عنوان لوحی سفید» برای آغازی نو در ارتباط با ادعای اولریک بک^۴ است که معتقد است در تخیل جهان‌وطنی هیچ حافظه‌ای از گذشته جهان وجود ندارد، بلکه تصویری از یک «آینده جمعی مشترک جهانی» وجود دارد که در این تصور نه گذشته بلکه، آینده است که عصر جهان‌وطنی را یکپارچه می‌کند (۲۷). البته درک تغییر یافته آیری به معنی انکار مطلق او از تاریخ گذشته‌اش نیست بلکه با تصور دوباره آن تاریخ پا را از گفتمان استعمارگری انگلیسی تثبیت شده در نگرش تاریخی مادربزرگ و خانواده‌اش از تاریخ جامائیکایی فراتر گذاشته و تصویری نو از درک تاریخ ارائه می‌دهد. در نتیجه، اثر *دندان‌های سفید* با به تصویر کشیدن آیری جونز، از ستیزگرایی

¹ Becoming

² This-worldly

³ Richard Rorty

⁴ Ulrich Beck

قومیتی^۱ شخصیت‌هایی مانند صمد در به چالش کشیدن قدرت، اصالت و باز نمودِ تعلق فرهنگی، پا را فراتر می‌گذارد تا به گرایش جهانی‌وطنی برسد. همچنین این نکته مهم را مطرح می‌کند که جهانی‌شدن و درهم‌آمیختگی کثرت فرهنگی نه تنها منجر به دگرگونی ساختارهای فرهنگی، بومی و ملی می‌شود بلکه تغییر در مفاهیمی همچون تاریخ و زمان هم بوجود می‌آورد. اسمیت با قرار دادن تعلقات فراملی در طول تاریخ، جهانی‌شدن را با بُعدی از تاریخ پیوند می‌دهد و جوانب منفی‌اش را به تاریخ گذشته امپریالیسم و استعمار ربط می‌دهد. بر این اساس، اثر *دندان‌های سفید* این موضوع را بررسی می‌کند که چگونه تخیل جهان وطنی که از طریق روایت فرا زمانی عمل می‌کند، مانع دیدگاه «همگن-کننده و محدود جهانی‌شدن» می‌شود تا آینده‌ای در فرآیند را دوباره متصور شود.

۵_ تصور آینده در جهان‌وطنی نقدگرایانه

جهان‌وطنی نقدگرایانه به این امر تاکید دارد که کنشگری انسان می‌تواند به‌طور ریشه‌ای زمان حال را با تصور آینده‌ای بهتر تغییر دهد. این تصویر از کنشگری منعکس‌کننده بنیاد پیشرفت جهان‌وطنی است و در تغییر خود و هویت اجتماعی برای حصول مفهوم فرآیندی، حیاتی است. دیدگاه جهان‌وطنی شکل یافته در آیری نه تنها باعث می‌شود که او به بازساخت تاریخ گذشته‌اش بپردازد بلکه منجر به آفرینش تصور متفاوتی از آینده نیز می‌شود. دگرگونی تدریجی آیری، خصوصاً در خودشناسی و هویت خود، باعث می‌شود او نسبت به آینده‌ای مبهم تردید داشته باشد، «در خیالش، آیری زمانی را دیده، زمانی که از حالا خیلی دور نیست، وقتی که ریشه‌ها دیگر مهم نیستند چون نمی‌توانند باشند، چون نباید باشند، چون بیش از اندازه طولانی‌اند و بیش از اندازه پیچیده هستند و بیش از اندازه در عمق نفوذ کرده‌اند. او به چنان روزی می‌اندیشد» (اسمیت ۵۲۷). خوددگرگونی جهان‌وطنی زمانی وارد عمل می‌شود که فرد به نوعی با هویت، فرهنگ، جامعه و سوژه‌بودنش دچار تعارض می‌شود و شروع به پرسیدن سوال می‌کند (دلالتی ۲۰۱۲، ۴۲). دگرگونی آیری به عنوان جهت‌دهی دوباره به خودشناسی خود و ارزیابی دوباره از تعلق فرهنگی، تاریخ آبا و اجدادی و گفتمان‌های اجتماعی مانند خانواده در تعیین هویت است. آیری از کنشگری فردی و عملکرد آن لذت می‌برد زیرا به او قدرتی می‌دهد که کمک می‌کند تا انواع ناهمگن تعلق را بررسی نماید و نتیجه آن برهم زدن مفهوم مطلق هویت فرهنگی است. این درک از جهان‌وطنی، جایگزینی برای زمان حال ارائه می‌دهد تا آینده‌ای بهتر را خلق نماید. علاوه بر این، کنشگری و اخلاقیات مراقبت از خود و مسئولیت‌پذیری را می‌توان در تصمیمی که برای دختر متولد نشده‌اش می‌گیرد، مشاهده نمود.

¹ Ethnic antagonism

آیری از زمان کودکی میلانت اقبال را دوست دارد زیرا میلانت انعکاس خودِ مطلوبش است، خصوصاً در ارتباط با جذابیتِ فیزیکی، محبوبیت و اجتماعی بودنِ میلانت. عشق یک طرفه آیری به میلانت زمانی پایان می‌یابد که به خاطر خواستیدن هم با میلانت و هم با مجید، حامله می‌شود. می‌فهمد که نمی‌تواند پدر بچه را شناسایی کند، چون میلانت و مجید دوقلوهای همسان هستند. راوی داستان احساس آیری را چنین توضیح می‌دهد که آیری در انتخاب پدر بچه‌اش «نمی‌توانست بداند که اگر انتخابی کند، تفاوتی خواهد کرد. چون هر کدام از برادرها که باشد، برادر دیگر را نیز درگیر می‌کند» (اسمیت ۵۱۵). تردیدی که از عملکرد آیری ناشی می‌شود بازتابی از این واقعیت است که قدرت پیوندهای خانوادگی هم در مورد آیری و هم دخترش شکسته شده است. آیری تصمیم می‌گیرد که هیچ‌کدام از دوقلوهای اقبال را به عنوان پدر بچه‌اش انتخاب نکند، این تصمیم بیانگر دیدگاه آیری درباره عدم کفایت هر گونه قدرت یا اصالتی است که بر تکوین هویت او تحمیل شده است. دیدگاه جهان وطنی که آیری در شرایط زندگی در فضای جهانی شده لندن پرورش داده است، توانسته تخیل جهان وطنی را و از طریق آن تخیلهایی نو در ارتباط با شکل‌گیری هویت و پیوندهای نو در او بوجود آید. بدین سبب آیری قادر است که فهم نوینی از واقعیت و معنای زندگی بیافریند. او برای دخترش آینده‌ای را در نظر دارد تا اینکه دختر متولد نشده‌اش در آن بدون محدودیت‌های فرهنگی و تعلقات جامائیکایی، خانواده و ساختارهای خویشاوندی زندگی نماید. در واقع، آیری در تخیلی نو از هویت دختری که هنوز متولد نشده، حس می‌کند که دخترش به راحتی با زندگی، فرهنگ‌ها و تاریخ‌های مختلف بدون محدودیت زندگی خواهد کرد.

در فصل پایانی رمان *دندان‌های سفید*، آیری، که اکنون عاشق جاشوا چالفن شده، با هورتنس بوودین و جاشوا به جامائیکا سفر می‌کند. راوی، آیری را که اکنون در دهه سوم زندگی‌اش است، چنین توصیف می‌کند که اکنون او: «در کنار دریای کارائیب نشسته، ... در حالی که دختر کوچولوی بی‌پدراش برای دایی میلانت بد و دایی مجید خوب کارت پستال‌های پر احساس می‌فرستد و مثل پینوکیو از اینکه از ریسمان پدری خارج شده، احساس آزادی می‌کند» (اسمیت ۵۴۲). آیری گرایشی را پرورش می‌دهد که بتواند فراتر از گفتمان‌های موجود حرکت کند تا اینکه بنیادهای مفاهیم نو از «امر ذاتی-استعلایی» را ممکن سازد. همانطور که هاینس معتقد است، امر ذاتی-استعلایی بدین معناست که ما توانایی آن را داریم تا از شرایط ناخوشایند مشخص پا را فراتر بگذاریم و این امر «نه با ترک جهان»، بلکه با تغییر آن به شیوه‌هایی که به‌طور فزاینده‌ای ارتباطات غیرتحمیلی بین انسان‌ها و همچنین بین انسان‌ها و محیط ایجاد می‌کنند، ممکن است (هاینس ۹). رمان *دندان‌های سفید* تعریفی نو از هویت جهان‌وطنی مطرح می‌نماید که درک هویت را نه تنها فراتر از تعاریف متداول از هویت

ملی‌گرا و فرهنگی می‌داند، بلکه آن را کالبدی نو از هویت معرفی می‌کند. اسمیت، هویت جهان‌وطنی را در شخصیت‌پردازی آیری ترسیم کرده‌است و به بعد فرانسوی فهم جهان‌وطنی در ترسیم دختر آیری می‌پردازد. از این حیث، اسمیت از مفهوم جهان‌وطنی حمایت می‌کند تا فعالیت‌های درونی فرد را با آنچه که می‌تواند باشد و ممکن و مطلوب است، مورد بحث قرار دهد؛ در برابر شرایط چالش‌برانگیز می‌ایستد، و از طریق تغییر شرایط یا ارتباطات موجود راه‌حلال‌رئهمی‌دهد.

۶_ نتیجه‌گیری

رمان *دندان‌های سفید* تاریخ را به عنوان حوزه‌ای برای تأمل در نظر می‌گیرد تا قطعیت آن را مورد بحث و تحلیل قرار دهد. این اثر نشان‌دهنده امکان تکوین آینده‌ای جهان‌وطنی و بازتعریف تاریخ گذشته است و به جایگزینی دیدگاه‌های قوم‌محور با دیدگاه‌های نسبی در مواجهه با تنوع فرهنگی تأکید می‌نماید. اسمیت تغییراتی را در ذات آمیختگی اجتماعی در جوامع جهانی به تصویر می‌کشد. این اثر نه تنها تعارض‌های ارتباط فرد با قومیت، میراث فرهنگی و تعلق نژادی را انعکاس می‌دهد بلکه تلاش‌های فرد برای بازبینی این عوامل در مواجهه با کثرت فرهنگی را نیز نشان می‌دهد. مسائلی از قبیل چندگانگی در ارتباط با ریشه‌های فرد، هویت، تضادهای فرهنگی بین مهاجران و جامعه حاکم و همچنین بین مهاجران نسل اول و دوم، ذهنیت نویسنده را درباره زندگی در جامعه‌ای چندفرهنگی به خود مشغول کرده است. در مواجهه با تنوع فرهنگی موجود در فرآیند جهانی شدن شخصیت‌های مهاجر در رمان ترغیب می‌شوند تا خودشان را از گفتمان ملی‌گرایی جامعه بریتانیایی جدا نمایند و هویت خود را با ریشه‌ها، میراث فرهنگی، تاریخ یا ملیت خود بازتعریف کنند. اما اسمیت با به تصویر کشیدن بی‌کفایتی این گفتمان، معتقد است که دقیقاً همان عدم قطعیت در مورد تعلقات فرهنگی، ریشه‌ها، منزلت اجتماعی و مسائل قومیتی است که میل به تعریف و حفظ اصالت خود را در فرد تشدید می‌کند. رمان، آینده‌نگر و پیشرو است و نشان می‌دهد که چگونه اندیشیدن درباره آینده مستلزم متصور شدن جهانی متفاوت یا ارتباطاتی متفاوت با تنوع فرهنگی است. اسمیت نه تنها شرایط موجود جهانی شدن را تشخیص می‌دهد و به آن می‌پردازد، همچنین نشان می‌دهد که چگونه آینده در واقعیات پراگماتیک تجربه روزمره ریشه دارد که نه با رؤیایی آرمانی بلکه از طریق ارتباطات زندگی اجتماعی با تنوع فرهنگی ساخته و متحول می‌شود. رمان *دندان‌های سفید* بیانگر این است که امکان و تمایلی برای آینده بهتر وجود دارد که به واسطه ظهور فهم جهانی‌وطنی ایجاد می‌گردد و در نهایت امکان استعلا و دگرگونی خود، جامعه و جهان با به رسمیت شناختن تنوع فرهنگی و تعاملات تحقق خواهد یافت.

References

- Beck, Ulrich. "The Cosmopolitan Society and its Enemies". *Theory, Culture and Society*, vol. 19, no. 1-2 (2002): 17-44.
- Beck, Ulrich, and Wolfgang Bonss. "The Theory of Reflexive Modernization: Problematic, Hypotheses and Research Programme". *Theory, Culture and Society*, vol. 20, no.1(2003): 1-33.
- Brennan, Timothy. "Cosmo Theory". *The South Atlantic Quarterly*, vol. 100, no. 3 (2001): 659-961.
- . "From Development to Globalization: Postcolonial Studies and Globalization Theory". *The Cambridge Companion to Postcolonial Literary Studies*. Edited by Neil Lazarus. Cambridge, Cambridge University Press, 2004, 120-138.
- Çağlar, Ayse. "Media Corporatism and Cosmopolitanism". *Conceiving Cosmopolitanism: Theory, Context, and Practice*. Edited by Steven Vertovec and Robin Cohen. Oxford, Oxford UP, 2002,180-90.
- Delanty, Gerard. *Community*. London & New York, Routledge, 2003.
- . "Fear of Others: Social exclusion and the European Crisis of Solidarity". *Social Policy and Administration*, vol. 42, no. 6 (2008): 676-690.
- . *The Cosmopolitan Imagination: The Renewal of Critical Social Theory*. Cambridge, Cambridge University Press, 2009.
- . "The Idea of Critical Cosmopolitanism". *Routledge Handbook of Cosmopolitan Studies*. Edited by Gerard Delanty. Abingdon/New York, Routledge, 2012, 38-47.
- Hannerz, Ulf. "Cosmopolitanism and Locals in World Culture". *Theory, Culture and Society*, vol. 7 (1990), 237-251.

- Haynes, Patrice. *Immanent Transcendence: Reconfiguring Materialism in Continental Philosophy*. London, New York, Bloomsbury Publication, 2012.
- Head, Dominic. *The Cambridge Introduction to Modern British Fiction, 1950-2000*. Cambridge, Cambridge University Press, 2000.
- Marandi, Seyed Mohammad, et al. "Identity and Multiculturalism in Zadie Smith's *The Autograph Man*". *Research in Contemporary World Literature [Pazhuhesh-e Zabanha-ye Khareji]*, vol. 18, no.1 (Summer 2013), 129-147, DOI: 10.22059/jor.2013.50912.
- Mathias, Anita. "View from the Margins". *Commonweal*, vol.127, no. 14 (2000): 27-29.
- Moore-Gilbert, Bart. "Postcolonialism and 'The Figure of the Jew': Caryl Phillips and Zadie Smith". *The Contemporary British Novel Since 1980*. Edited by James Acheson et al. Edinburgh, Edinburgh University Press, 2005.
- Mota, Aurea, and Gerard Delanty. "Governing the Anthropocene: Agency, Governance, Knowledge". *European Journal of Social Theory*, vol. 20 , no. 1 (2017): 9-38.
- Palmer, Tom G. "Globalization, Cosmopolitanism, and Personal Identity". *Ethic & Politics*, vol. 2 (2003): 1-15, http://www.units.it/etica/2003_2/PALMER.htm
- Rezaei, Azam, and Fazel Asadi Amjad. "Homi Bhabha and Edward Said on the Migrant's 'Hybrid' Identity and the Possibility of Resistance and Human Agency". *Research in Contemporary World Literature [Pazhuhesh-e Zabanha-ye Khareji]*, vol. 27, no.1, (Summer 2022): 274-300.
- Rogers, Katina. "Affirming Complexity: *White Teeth* and Cosmopolitanism". *Comparative Literature Graduate Contributions*, vol. 1 (2008): 1-12, http://scholar.colorado.edu/coml_gradpapers/1.
- Rorty, Richard. *Philosophy and Social Hope*. New York, Penguin, 1999.

- Scott, Jeremy. "Shared and Told Tales: Multiculturalism and Participatory Narrative Identities in Zadie Smith's *White Teeth*". *International Journal of the Humanities*, vol. 5, no. 10 (2007): 207-214.
- Shaw, kristian. *Cosmopolitanism in Twenty-First Century Fiction*. Cham, Palgrave Macmillan, 2017.
- Skrbis, Zlatko, and Ian Woodward. *Cosmopolitanism: Uses of the Idea*. London: Sage, 2013.
- Smith, Zadie. *White Teeth*. London, Penguin Books, 2000.
- Strydom, Piet. "Modernity and Cosmopolitanism: from a Critical Social Theory Perspective". *Routledge Handbook of Cosmopolitan Studies*. Edited by Gerard Delanty. Abingdon/New York, Routledge, 2012, 25-38.
- Thompson, Molly. "'Happy Multicultural Land'? The Implications of an 'Excess of Belonging' in Zadie Smith's *White Teeth*". *Write Black, Write British: From Post Colonial to Black British Literature*. Edited by Kadija George. Hertford, Hansib Publications, 2005, 122- 140.
- Turner, S. Beyan. "Cosmopolitan Virtue: On Religion in a Global Age". *European Journal of Social Theory*, vol. 4, no. 2(2001): 131-152.
- Walters, Tracey Lorraine. "We're All English Now Mate Like It or Lump It: The Black/Britishness of Zadie Smith". Edited by Zadie Smith: *Critical Essays*. New York, Peter Lang, 2008.